

سیستان در دوران بنامش

دکتر عیسی بهنام
استاد دانشگاه

استاد عالی‌قدر ایتالیائی آقای پروفیسور توجی نتایج کاوش‌های هیئت باستان‌شناسی ایتالیائی در سیستان را در مجله‌ای بنام «شرق و غرب» در سال ۱۹۶۶ به چاپ رسانیده‌اند. نتایجی که آقای پروفیسور توجی از این کشفیات گرفته‌اند بسیار جالب توجه است. ما همه میدانیم که دانشمندان ایتالیائی از بهترین کاوش‌کنندگان جهان‌اند و همه نتایج فوق‌العاده کاوش‌های شهر قدیم پمپی و فوروم‌های مختلف شهر روم را بخاطر داریم.

پروفیسور توجی در میان بیابانی که باد شدید مانع کار بود در سال ۱۹۶۲ دست بکاوش‌هایی زدند که نتایج فوق‌العاده آن بیشتر به معجزه‌ای شباهت داشت تا به کاوشی. در نقشه‌ای که ایشان از ناحیه کاوش تهیه نموده‌اند (شکل ۱) مرکز کارشان مشخص میشود. در کنار رود هیرمند در میان نقاط تاریخی متعددی مانند نادعلی و کرکو و قلعه تپه و بی‌بی‌دوست و کوه خواجه و شهر سوخته و قلعه سام و غیره و غیره تپه‌ای مصنوعی بنام دهان غلامان وجود داشت که توجه آقای پروفیسور توجی را به خود جلب نمود. در عکس شماره ۲ تپه دهان غلامان در طرف چپ و تپه موسوم به قبر زرتشت در طرف راست دیده میشود.

شکل ۳ تپه مزبور را پیش از خاک برداری معرفی مینماید (۱۹۶۳) و اگر دقت بفرمایید در این عکس حیاط مرکزی و اطاق‌های متعدد را که از چهار طرف آنرا احاطه کرده‌اند بخوبی تشخیص خواهید داد.

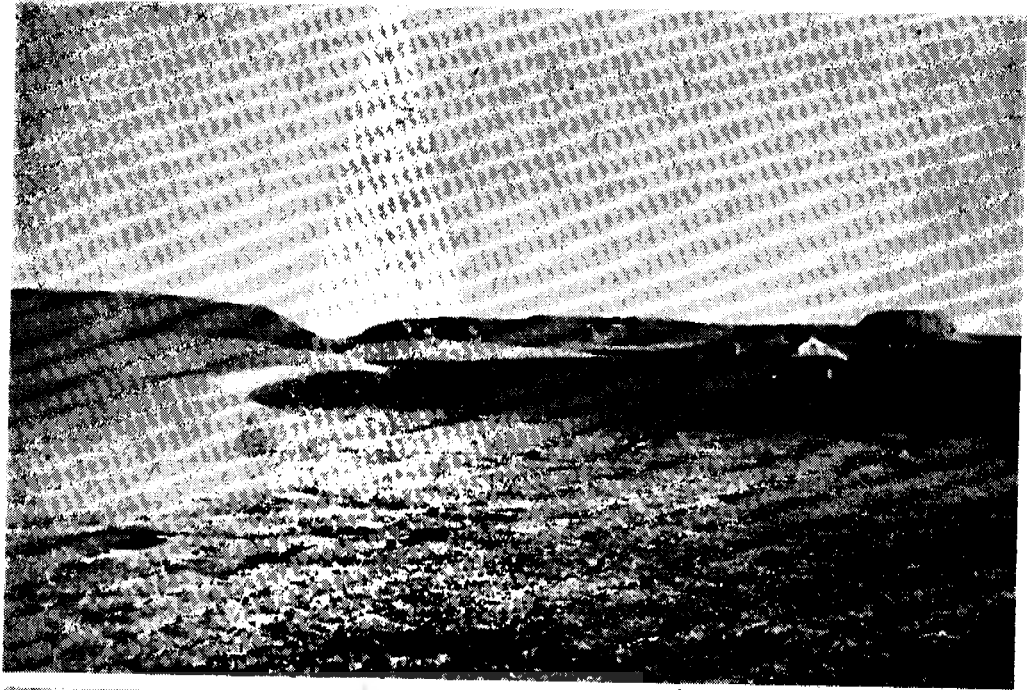
لطفاً متوجه باشید که باد این ساختمان معظم را به این حالت در آورده است و در ابتدا در اطراف آن ساختمان‌های متعدد دیگری بوده که مجموع آن شهری را تشکیل میداده است.

شکل شماره ۴ نقشه‌ای را که از این کاخ برداشته شده نشان میدهد و شکل شماره ۵ قسمتی از جزئیات بناست.

ملاحظه میفرمایید که تمام بنا از گل خام که ما امروز به

۱- نقشه‌ای که هیئت باستان‌شناسی ایتالیائی از ناحیه کاوش فراهم نموده است





۴- در طرف چپ تپه دهان
غلامان و در طرف راست
تپه معروف به قبرزرتشت
پیش از شروع کاوش
دیده می شوند



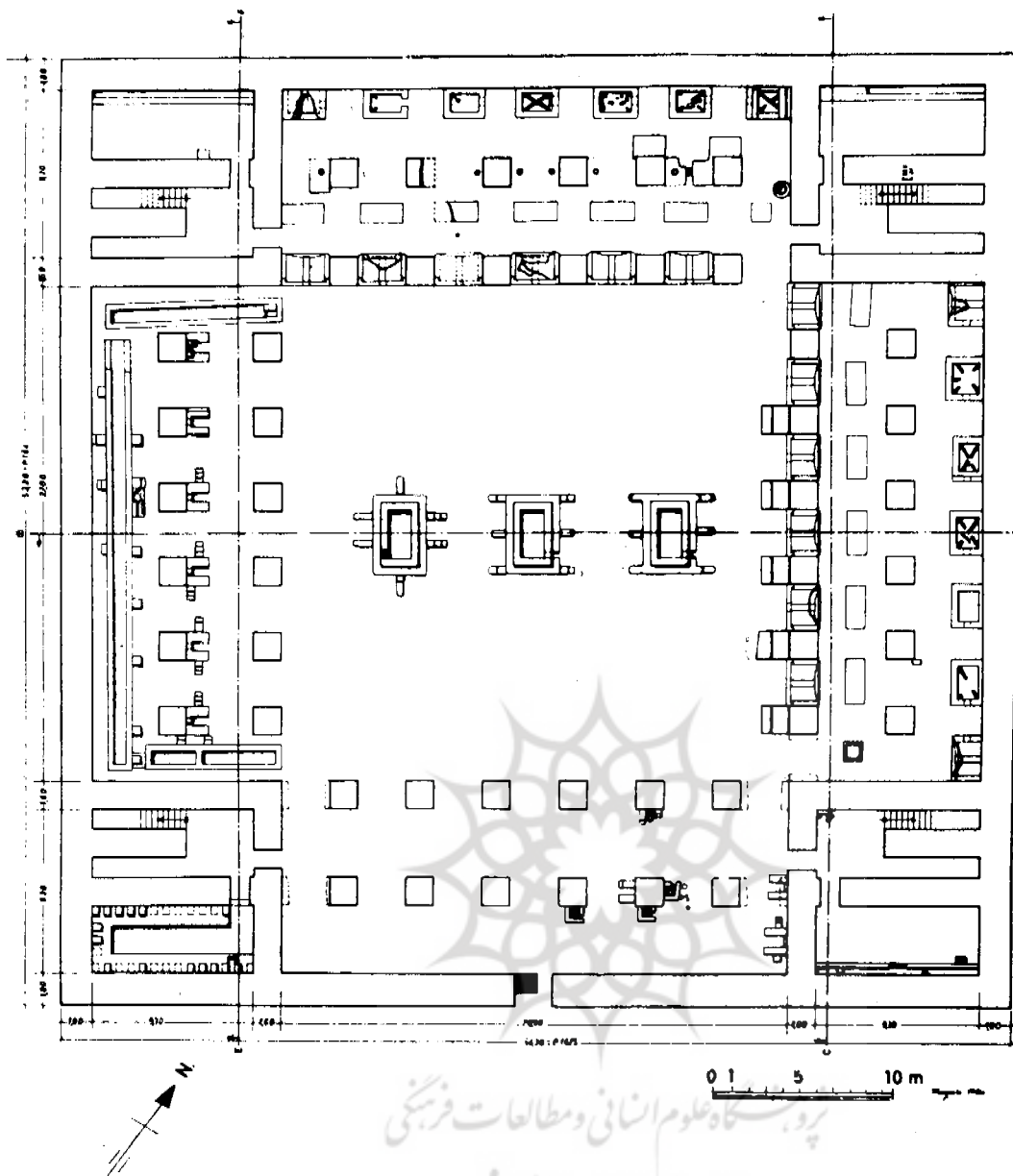
۳- قسمتی از تپه دهان
غلامان در ضمن کاوش
در سال ۱۹۶۳

وجود چنین ایوان‌های ستون‌دار بسیار مفید بوده است و در میان حیاط سه سکوی گلی قرار داشته که ارتفاع آن از یک متر کمی بیشتر بوده و بوسیله چند پله به آن راه مییافته‌اند و آثار سوختگی روی این سکوها پیداست.

جزئیات این بنا نشان می‌دهد که از زمان داریوش اول است. بکار بردن گل‌خام در ساختمان‌های دوران پادشاهی داریوش اول خیلی معمول بوده و یکی از نمونه‌های آن کاخ

آن چینه می‌گوییم ساخته شده است و خاک آن ناحیه بقدری نرم و چسبنده است که وقتی با آب مخلوط شد از آجر هم محکم‌تر میشود و بهمین دلیل است که توانسته‌اند آنرا تقریباً سالم از زیر شن بیابان بیرون بیاورند.

در شکل شماره ۴ مشاهده می‌فرمایید که در اطراف حیاط مرکزی اطاق‌های متعدد و در چهار طرف آن رواق یا ایوان ستون‌داری وجود داشته است. در مکان‌های گرم مانند سیستان



۴- طرحی که از ساختمان شماره ۳ تپه دهان غلام برداشته شده است و احتمالاً یکی از ساختمانهای مرکز حکومت ساتراپی در انجیان بوده است

لازم از قبیل سنگ و لاجورد و کاشی و چوب و غیره را به آن نقطه حمل کرده اند درحالیکه ساختمان دهان غلامان تنها مقر حکومتی ناحیه بزرگی به نام درانجیان بوده است که اعراب آنرا زرنج تلفظ کرده اند و از ناحیه سیستان کنونی بسیار وسیع تر بوده و ساتراپی بسیار مهمی بشمار میرفته است و چون درمرز شرقی ایران یعنی در نقطه ای که احتمال هجوم قبایل صحراگرد زیاد است قرار داشته است همیشه اشخاص برجسته

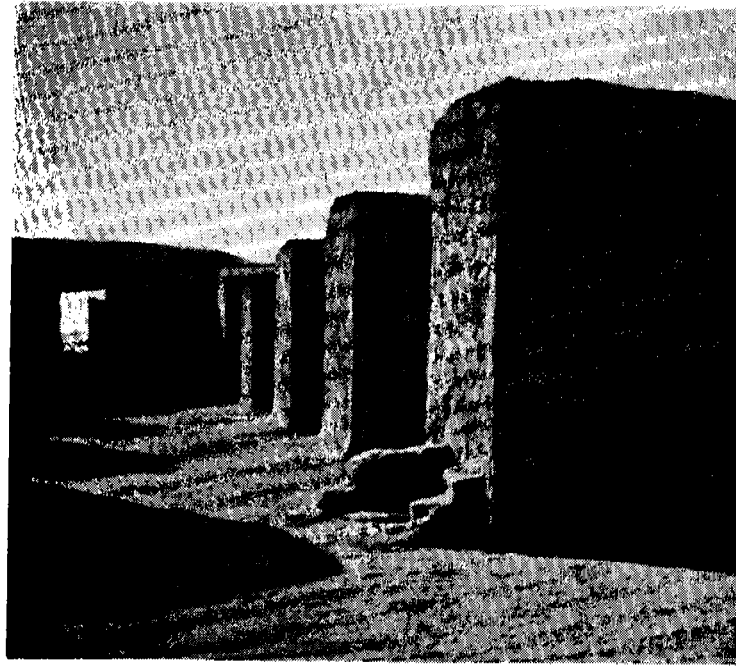
معروف به خزانه داریوش در تخت جمشید است ، حتی میان تخته سنگ های طرفین دیوار کاخ صد ستون تخت جمشید نیز با گل خام پر شده بوده است . چون در سیستان سنگ وجود نداشته این کاخ را تماماً با گل خام ساخته اند . در شوش هم تقریباً همین روش بکار برده شده است با این تفاوت که چون شوش پایتخت شاهنشاهی ایران بوده همانطوری که داریوش بزرگ در کتیبه های ذکر کرده است از تمام نقاط کشور مواد

سکاهای در آن زندگی میکردند. هرودوت گفته است کوروش با این سکاهای بسیار دوست بوده برای اینکه در جنگها به او کمک کردهاند. بنابراین، این امر مسلم میشود که سکاهای پیش از شاهنشاهی هخامنشی در این ناحیه مسکن داشتهاند و اگر این فرض را بپذیریم باید از خود بپرسیم این سکاهای از کجا به آن مکان آمدهاند زیرا ما میدانیم که محل اقامت سکاهای در اوایل هزاره اول پیش از میلاد دشتهای وسیع واقع در شمال شرق ایران بوده است. شاید هم آن توریانیان که فردوسی آنها را برابر ایرانیان قرار میدهد همین سکاهای باشند. مراکز مهمشان زابل و کابل بوده است. فردوسی توریانیان را برادران ایرانیان میدانند و چرا این فرض را قبول نکنیم که سکاهای بمناسبت همین برادری با ایرانیان از پرداخت مالیات به گفته هرودوت معاف نشده باشند. در صورتی که فرض فوق را بپذیریم چرا فرضیه آقای دکتر بهرام فرهوشی را که راه ورود آریاییها به ایران را از جانب سیستان میدانند نپذیریم و در چنین صورتی باید پیشنهاد کنیم که پارسها ابتدا در ناحیه سیستان سکونت داشتند و سپس در نتیجه فشار سکاهای یا توریانیان از سیستان به فارس آمدند و در اینجا سکونت کردند. تاریخ ایران باستان با تاریخ ایران باستان با هم تطبیق خواهند کرد و به این طریق سکاهای یا توریانیان جای پارسها را در ناحیه سیستان گرفتند ولی روابطشان با آنها قطع نشد و این موضوع جالبی برای ایجاد داستانهای شاهنامه فردوسی گردید.

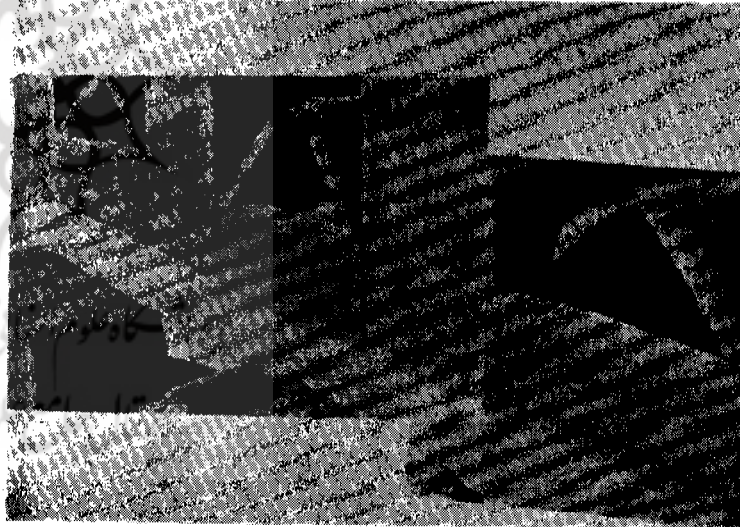
اینها همه فرضیات است و احتمال دارد مطالعات زبانشناسی و باستانشناسی بتوانند با همکاری با یکدیگر بعضی از این فرضیات را روشن کنند و راهی را به ما نشان دهند که منتهی به نتیجه قابل توجهی گردد.

بهر حال مطالب راجع به طرح ساختمان و مصالح آن گفته شد فقط این میماند که طاقهای این اطاقها به چه طریق ساخته شده بوده است و جواب این سؤال این است که در زمانی که در مشرق ایران طاقهای آجری بیضی شکل بسیار معمول بود (مانند چغازنبیل) در مشرق ایران آجر بکار برده نمیشد ولی کوشش میشد که طاق را بطریق بیضی بسازند و احتیاجی به آجر پیدا نکردهاند زیرا بقدری گل آن ناحیه محکم بوده است که جای آجر و سنگ را میگریخته است.

متوجه باشید که شهر بلخ نیز به همین طریق ساخته شده بود و دانشمندان فرانسوی سالها در آن کاوش کردند و چیزی جز گل خام در آن نیافتند با اینکه ما میدانیم که شهر بلخ یکی از شهرهای بسیار بزرگ و آبادان آن زمان بوده است. اینک در شکل شماره ۶ عکس یکی از اطاقها را حضور خوانندگان عزیز معرفی مینمایم.



۵ - قسمتی از ساختمان شماره ۳ تپه دهان غلامان پس از کاوش



۶ - طریقه طاق زدن با گل خام در ساختمان شماره ۳ تپه دهان غلامان

و از خاندان پادشاهی حاکم آن میشدهاند. جغرافی دانان اینطور عقیده دارند که ناحیه درانجیان بعلت وجود رود هیرمند در ایام سابق بسیار آباد بوده و حتی صحبت از جنگلهایی شده است که در این ناحیه وجود داشته است و اینکه آنها را سکستان نامیدند برای این بوده است که